

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

فروردین ماه ۱۳۹۴ آوریل ۲۰۱۵

شماره ۱۰۵

toufan@toufan.org www.toufan.org

شادباش نوروزی حزب کارایران (توفان) نوروزتان مبارک باد!



پیرامون تعیین حداقل دستمزد در سال ۹۴



درد دل یک کارگر فلز کار درمورد وضعیت معیشتی

بیانیه حزب کارایران (توفان) به مناسبت روز جهانی زن

فرخنده باد ۸ مارس روز بین المللی زن

اعلامیه حزب کارایران (توفان) در رابطه

با اعدام شش زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر کرج

فرجام ۱+۵

مناقشه هسته ای فقط یک بهانه است

تظاهرات شکوهمند هزاران معلم علیه فقر و تبعیض

یک گزارش کوتاه از تهران به مناسبت

روز جهانی زن

نتانیا هو، عربده کش جنگ افروز در کنگره آمریکا

اعلامیه کنفرانس بین المللی

ترور جنایتکارانه رفیق گوستاوو سالگادو دلگادو را شدیداً محکوم میکنیم!

پیام حزب کارایران (توفان) به رفقای مکزیکی

مصاحبه هنیت تحریریه توفان با حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست)

شادباش نوروزی حزب کار ایران (توفان)

نوروزتان مبارک باد!

فرخنده نوروز که نوید دهنده تحول و دگرگونی طبیعت است و خبر از شور و نشاط و زیبایی بهار می دهد بار دیگر فرا میرسد. نوروزی که همیشه با خود امید تحول در جامعه انسانی و پشت سر گذاشتن زمستان سرد و تاریک و رنج آورنظم طبقاتی و دستیابی به صلح و دوستی و همبستگی و همیاری و خوشبختی و سعادت جامعه انسانی را به همراه می آورد. امیدی که سرچشمه تلاش و مبارزه ماست.

امسال هم طبق روال گذشته، افزایش قیمت سرسام آورمیوه و شیرینی و تنقلات درآستانه نوروز، دیگرگردل و دماغی برای مردم محروم ۹۹ درصدی ایران باقی نگذاشته است که بتوانند درکنارسفره عید به جشن و شادی بنشینند. بخش اعظم مردم اعم از کارگران و زحمتکشان و حقوق بگیران تحتانی جامعه، حتا بخشی از لایه های میانی ایران در اثر گرانی کمرشکن، تورم افسارگسیخته و وضعیت اسفناک اقتصادی قدرت خرید و نونوارکردن ندارند و عید را بر سر سفره خالی برگزار میکنند و نوروزشان همانند هر روزشان است. سالی که گذشت باز هم سال وعده و وعیدهای توخالی و پیشروی در هیولای فقر و شکاف عمیق طبقاتی بود. آمارهای خود رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به روشنی نشان میدهند که اکثریت مردم ایران زیر خط فقر دست و پا میزنند و تورم و ناامنی اقتصادی همچنان سیر صعودی طی میکنند. زندگی کارگران و زحمتکشان بخاطر سیاستهای نئولیبرالی و ارتجاعی رژیم سرمایه داری از یک سو و ادامه تحریمهای اقتصادی و فساد و اختلاسهای حکومتی از سوی دیگر نسبت به سال گذشته هنوز هم وخیم ترگشته است و مردم میهن ما امیدی به بهبودی وضعیت خود در چهارچوب نظام مافیایی جمهوری اسلامی ندارند و چاره ای جز تشدید مبارزه علیه دستاربندان حاکم نمی بینند. اعتراضات گسترده اخیر معلمان سراسر ایران برای اضافه دستمزد و همینطور اعتصابات و اعتراضات متنوع شاخه های مختلف کارگری علیه وضعیت موجود و خواست حداقل دستمزد عادلانه برای یک زندگی شرافتمندانه، امید بخش است. در همین رابطه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اعلامیه ای تاکید کرده است که "تنها راه برون رفت از این گرداب ناپسامانی های عدالت سوز را به درستی دگرگونی های بنیادین بر پایه گسترش دادگری و عدالت اجتماعی و رعایت حقوق عمومی مردم دانسته و از آن میان تعیین دستمزد عادلانه برای کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار آسیب دیده را سرآمد این حقوق مسلم مردمی می دانند. در این راستا سندیکای کارگران شرکت واحد چون دیگر کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم رفع ریشه ای بی عدالتی های اجتماعی و تعیین دستمزدی عادلانه بر اساس تامین زندگی آبرومند و شایسته برای کارگران و زحمتکشان و بازنشستگان کارگری و عموم حقوق بگیران خواستار بوده و تلاش و پیگیری و اعتراض جمعی در این مورد را حق خود و همه ی کارگران و عموم مردم ایران می داند." اتحادیه های مشابه کارگری نیز با انتشار بیانیه های اعتراضی و جمع آوری طومار، خواهان افزایش دستمزد و بهبود شرایط زندگی خود شدند.

اگرچه در سالی که گذشت در فقر و گرانی و رشوه و فساد اداری پیشروی داشتیم لیکن پیکار علیه سرکوبگریهای وحشیانه و ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی بویژه اعتصابات کارگری نیز همچنان ادامه داشته و دولت نئولیبرالی حسن روحانی را سخت به تکاپو انداخته است. دولت روحانی که تمام تلاش و دل مشغولیش چانه زنی با امپریالیسم آمریکا برای حفظ نظام است، کوچکترین وقعی به مطالبات کارگران نمی گذارد و همانند دولت احمدی نژاد پاسخ نان، مسکن، آزادی و عدالت اجتماعی را با زندان و شکنجه و اعدام میدهد. اکنون در آستانه سال نو، صدها تن از فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان و فعالین اجتماعی در زندان بسر می برند و جان بسیاری از آنها در خطر است.

حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده تا از تحریمهای ضد بشری و تهدیدات امپریالیستی در جهت تشدید سرکوب و خفقان داخلی به عنوان چماقی علیه مردم استفاده کند. رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، آزادی بیان و حقوق کارگران و زنان را حق و حقوق مسلم مردم ایران نمی داند و با سرکوب و دامن زدن به نارضایتی عمومی به توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی و دخالت نیروهای استعماری در ایران میدان میدهد. رژیم اسلامی با سرکوب های وحشیانه اش و به بند کشیدن کارگران شریف ایران که ستون اصلی مبارزه ضد امپریالیستی هستند، در عمل بعنوان جاده صاف کن و خدمت کننده به اجانب و عفریت خارجی عمل میکند.

حزب کار ایران (توفان) فرصت رامغتنم شمرده نوروز را به همه کارگران، به همه زحمتکشان، به همه معلمان، به همه دانشجویان، به همه زنان مبارز سراسر ایران، به همه خانواده های جانباختگان راه آزادی، به کارگران مبارز زندانی و همه زندانیان شریفی که پرچم مبارزه را در بیغوله ها و شکنجه گاههای رژیم بر افراشته اند و به همه رفقا و یاران و همه کسانی که در راه آزادی و سعادت ستمدیدگان میروند شاد باش می گوید و برایشان در پیکار علیه نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی پیروزی آرزومی کند. به امید فرا رسیدن نوروز مردم ایران.

نوروزتان پیروز باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

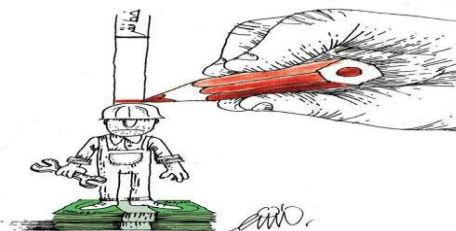
زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند هزار و سیصد و نود و سه خورشیدی

پیرامون تعیین حداقل دستمزد در سال ۹۴ تا نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی توسط انقلابی مردمی سرنگون نشود، دربر همین پاشنه می چرخد!



www.tamin24.ir

سال	حداقل دستمزد (تومان)	افزایش نسبت به سال قبل (درصد)	برخ تورم سال قبل
۱۳۸۰	۵۶۷۹۰	۲۴	۱۲/۶
۱۳۸۱	۶۹۸۴۶	۲۳	۱۱/۴
۱۳۸۲	۸۵۲۲۸	۲۳	۱۵/۸
۱۳۸۳	۱۰۶۶۰۲	۲۳	۱۵/۶
۱۳۸۴	۱۲۲۵۹۲	۱۴	۱۵/۲
۱۳۸۵	۱۵۰۰۰۰	۱۸	۱۰/۴
۱۳۸۶	۱۸۳۰۰۰	۲۲	۱۱/۹
۱۳۸۷	۲۱۹۶۰۰	۱۷	۱۸/۴
۱۳۸۸	۲۶۲۵۲۰	۱۷	۲۵/۴
۱۳۸۹	۳۰۳۰۰۰	۱۳	۱۰/۸
۱۳۹۰	۳۲۰۳۰۰	۹	۱۲/۴
۱۳۹۱	۳۸۹۷۰۰	۱۸	۲۱/۵
۱۳۹۲	۴۸۷۱۳۵	۲۵	۲۰/۵
۱۳۹۳	۶۰۹۰۰۰	۲۵	۲۴/۷
۱۳۹۴	۷۱۲۴۲۵	۱۷	۱۵

در غیاب نمایندگان واقعی تشکل های مستقل کارگری و بر اساس منافع سرمایه داران و در راستای برنامه های نئولیبرالیستی دیکته شده توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی یک بار دیگر شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۱۳۹۴ به مراتب کمتر از خط فقر اعلام شده رسمی توسط بانک مرکزی و یکچهارم خط فقر واقعی تعیین نمود. افزایش ۱۷ درصدی حداقل دستمزد سال گذشته و تعیین دستمزد ۷۱۲ هزار و ۴۲۵ تومانی برای سال جدید و مزد روزانه ای برابر با ۲۳ هزار و ۷۴۷ تومان و دستمزد ساعتی حدود ۳۰۰۰ تومان که برابر با ۹۰ سنت و کمتر از یک دلار آمریکا و یک یورو در اروپاست.

سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیستی که همه جناحهای در قدرت و طرد شده و پیرامونی و همه باندهای مافیائی حاکمیت بر سر آن توافق دارند؛ و از زمان طرح آن توسط مارگارت تاچر و ریگان همزمان در کابینه رفسنجانی مطرح و با تأیید و حمایت خامنه ای و تحریف اصل ۴۳ قانون اساسی توسط وی و تشویق اتاق بازرگانی عسگراولادی ها، با عنوان تعدیل ساختاری، به اجرا گذاشته شده و توسط خاتمی و احمدی نژاد و روحانی پیگیرانه دنبال شده است؛ با طرح خصوصی سازیها و حذف گمرک و تغییرات ارتجاعی در قوانین کار به نفع سرمایه داران داخلی و خارجی و حذف خدمات دولتی در همه عرصه های درمانی و بهداشتی و آموزشی و حذف یارانه ها تحت عنوان جهانی کردن قیمت ها و خلاصه کلام تبدیل جامعه به جنگلی که فقط پول و سود و سرمایه حرف اول و آخر را بزند و با عمیق شدن شکافهای اجتماعی و طبقاتی در رقابت آزاد سرمایه داری جهانی، آنها که سرمایه بیشتری نسبت به رقبا دارند قدرتمندتر و آنها که ضعیف تر هستند از میدان رقابت حذف و نیروی کار هم تبدیل به برده هائی میشوند، که مجبورند، برای زنده ماندن، همه شرایط تحمیلی صاحبان سرمایه را، بپذیرند. آنها می گویند: قیمت آب و برق و نفت و بنزین و گاز و مواد غذایی و پوشاک و مخارج درمانی دارو و مخارج آموزشی و لوازم خانگی و اتوموبیل و موتور و دوچرخه و قیمت مسکن و اجاره باید بر اساس قیمتهای جهانی و یا در واقع بر اساس ارزهای خارجی محاسبه شود؛ اما میخواهند کالائی به نام نیروی کار را بر اساس قیمت داخلی و با ارز داخلی بخرند. آنها دستمزد ساعتی یک کارگر ایرانی را معادل ۹۰ سنت و کمتر از یک دلار یا یک یورو تعیین می کنند در حالی که در آمریکا

حداقل دستمزد ساعتی ۱۰ دلار و ۱۰ سنت در کانادا بین ۸ دلار و هفتاد سنت تا ۱۰ دلار و سی سنت و در بریتانیا، ایرلند و فرانسه، حداقل دستمزد ساعتی ۷ یورو و ۳۳ سنت تا یورو و ۶۹ سنت و در کشورهای اسکاندیناوی حداقل دستمزد ساعتی معادل ۱۲ تا ۲۰ یورو است. یک کارگر ایرانی با دستمزد یک روزش حتی نمی تواند یک کیلو گوشت بخرد در صورتی که یک کارگر اروپایی یا آمریکایی با دستمزد یک روزش قدرت خرید بین ۱۶ تا ۲۰ کیلو گوشت را دارد.

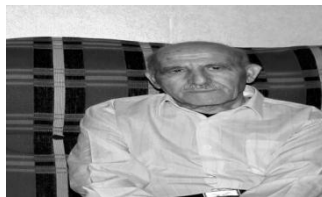
آنها می گویند: برای بهبود فضای کسب و کار و جلوگیری از افزایش نقدینگی و افزایش تورم باید افزایش دستمزد را کنترل کرد. اما واقعیت این است که آن نقدینگی که باعث تورم میشود نه با افزایش دستمزد ایجاد شده و نه در دست کارگران است؛ بلکه در دست عده معدودی از سران مافیای حکومتی است که در بازار ارز و سکه و زمین و واردات به کار انداخته میشود. طی سالهای ۸۴ تا ۹۲ حداقل دستمزد روزانه از ۴۸۶۰ تومان به ۱۶۲۳۷ تومان افزایش یافت که حدود ۳ و ۹ دهم در صد میشود؛ در همین مدت حجم نقدینگی حاصل از خصوصی سازیها از ۶۸۵۰۰ میلیارد تومان به ۵۷۶۰۰۰ میلیارد تومان رسید که برابر با رشدی برابر ۸ و ۲ دهم درصدی است. واگذاری شرکت نفت به کمپانیهای نفتی، واگذاری ۱۴۰ شرکت دولتی بزرگ (ثروت عمومی) در سال جاری به ارزش ۱۵۰۰۰ میلیارد تومان و طرح های خصوصی سازی سازمان تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی که متعلق به کارگران است و سرازیر کردن ثروت ملی به جیب سرمایه داران بخش خودی و خصوصی و تمرکز این نقدینگی عظیم در دست مشتکی بورس باز و دلال دزد که در افشاگریهای باندهای رقیب حکومتی خبر از ۱۰۰ میلیارد دلار وام بدون وثیقه توسط بانک رفسنجانی و سی نفری که ۸۰ درصد معوقات بانکی را به عهده دارند و ۶۱ پرونده که هر کدام بالای ۱۰۰ میلیارد تومان بدهی دارند؛ آن حجم عظیم نقدینگی که با حراج ثروت مردم در دست مافیای حکومتی در راه چاپیدن هر چه بیشتر مردم توسط بنگاههای مالی که مثل علف هرز هر ساعت از زمین سر میزند باعث تورم و باز تولید فقر و بیکاری و گرسنگی و عمیقتر شدن لحظه به لحظه شکاف طبقاتی در جامعه میشود.

رفقای کارگر

در آستانه سال نو و آغاز بهار بد نیست یاد آور شویم که هر گونه تحول مثبت در حیات جامعه ما و در سراسر جهان فقط در پرتو تلاش و مبارزه شماست. تنها راه نجات، اتحاد و تشکیلات است. سلاح همبستگی از هر سلاحی قدرتمندتر و کارا تر است. بی دلیل نیست که جمهوری اسلامی از نام تشکل مستقل کارگری مثل جن از بسم الله میترسد. سرمایه داران و نظام سرمایه داری در هر شکل و شمابلی دشمنان طبقاتی ما هستند و فقط زبان زور میفهمند. زور ما در اتحاد ماست. باید نیرومند شویم تا بتوانیم حقان را از حلقومشان بیرون بکشیم.

درد دل یک کارگر فلزکار

نبی معروفی (کارگر فلزکار) : من اقتصاد دان نیستم



سال نود و سه در حالی به پایان میرسد که با همه وعده های داده شده دولت تدبیر و امید روز به روز وضع خانوار های کارگری روبه وخامت می رود، نگاهی به هزینه های جاری یک خانوار ۴ نفری گویای آن است که خط فقر فرضی دولت چه اندازه با خط فقری که گریبان گیر مردم و به ویژه کارگران میباشد تفاوت دارد:

از نان که خوراک پایه خانوار های کارگری است شروع کنیم

بهای یک نان سنگک ۶۷۵۰ ریال مصرف خانوار در روز ۳ گرده روزانه ۲۲،۵۰۰ ریال

ماهانه ۶۷۵،۰۰۰ ریال

(پنیر بافرض مصرف هر فرد ۵۰ گرم مصرف خانوار در روز ۲۰۰ گرم (هر ۵ روز ۱ کیلو

روزانه ۲۲،۰۰۰ ریال

ماهانه ۶۶۰،۰۰۰ ریال

- روغن یک قوطی ۵ کیلویی روزانه ۷،۰۰۰ ریال
 ماهیانه ۲۱۰،۰۰۰ ریال
 برنج هر نفر ۳ کیلو در ماه هر کیلو ۸۵،۰۰۰ ریال
 روزانه ۳۵،۰۰۰ ریال
 ماهیانه ۱،۰۵۰،۰۰۰ ریال
 تخم مرغ هر هفته یک شانه هر شانه ۱۰۰،۰۰۰ ریال
 روزانه ۱۳،۴۰۰ ریال
 ماهیانه ۴۰۰،۰۰۰ ریال
 قندو شکر نفری ۲ کیلو در ماه هر کیلو ۱۵،۰۰۰ ریال جمع مصرف ماهیانه ۸ کیلو
 روزانه ۸،۰۰۰ ریال
 ماهیانه ۲۴۰،۰۰۰ ریال
 چای گلستان یا دوغزال ماهی یک بسته
 روزانه ۵،۴۰۰ ریال
 ماهیانه ۱۶۰،۰۰۰ ریال
 نخود، لوبیا، عدس، لوبیا چیتی، لپه، رشته، لوبیاقرمز هر کدام یک بسته در ماه
 روزانه ۱۶،۷۰۰ ریال
 ماهیانه ۵۰۰،۰۰۰ ریال
 انواع سبزی
 روزانه ۱۶،۷۰۰ ریال
 ماهیانه ۵۰۰،۰۰۰ ریال
 میوه انواع مختلف در هفته ۲۵۰،۰۰۰ ریال
 روزانه ۳۳،۴۰۰ ریال
 ماهیانه ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال
 لباس ۴ نفر در ماه
 روزانه ۳۳،۴۰۰ ریال
 ماهیانه ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال
 آرایشگاه (زنانه نباشد) هر نفر ۵۰،۰۰۰ ریال
 روزانه ۶،۷۰۰ ریال
 ماهیانه ۲۰۰،۰۰۰ ریال
 صابون شامپو و شوینده ها و لوازم بهداشتی
 روزانه ۱۳،۴۰۰ ریال
 ماهیانه ۴۰۰،۰۰۰ ریال
 آب، برق، گاز، تلفن
 روزانه ۳۳،۴۰۰ ریال
 ماهیانه ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال
 هزینه رفت و برگشت به محل کار
 روزانه ۲۰۰،۰۰۰ ریال
 ماهیانه ۶،۰۰۰،۰۰۰ ریال
 (هزینه تحصیل دو فرزند دانش آموز (کتاب و دفتر و نوشت افزار + هزینه های جاری + شهریه
 روزانه ۶،۷۰۰ ریال ماهیانه ۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال
 مرغ ۴ قطعه در ماه
 روزانه ۶،۷۰۰ ریال
 ماهیانه ۷۰۰،۰۰۰ ریال
 گوشت ۴ کیلو در ماه هر کیلو
 روزانه ۲،۴۰۰ ریال
 ماهیانه ۱،۴۰۰،۰۰۰ ریال
 مسکن در پایین ترین نقطه شهر تهران مثلا باقر شهر قسط یا اجاره
 روزانه ۱۶۶،۷۰۰ ریال
 ماهیانه ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال

جمع

روزانه ۷۶۹،۸۳۴ ریال

ماهانه ۲۳،۰۹۵،۰۰۰ ریال

این رقم با احتساب دلار ۳۵۰۰۰ ریال

روزانه \$۲۲

ماهانه \$۶۶۰

بدیهی است که من کارگری ساده ام و از اقتصاد چندان سر در نمی آورم و دولت هرگز با داشتن نوابغ اقتصادی ارزشمند برای محاسبه این مبالغ هیچ مشکلی نداشته و ندارد یادآوری می کنم که با بروز سونامی های سرطان، ام اس و دیابت در کنار زلزله های چند ریشتری اختلاس، کارگران بی نوا در صورت برخورداری از سلامت جسمی کامل و بدون کسورات بیمه ای (به نام تامین اجتماعی که به معنی دیگر به تهدید اجتماعی بدل گردیده)، با این صورت حساب ماهانه حق نگوییم که امکان هیچ گردش و تفریح و مسافرتی را ندارند.

استخراج و تنظیم

کارگر فلزکار، نبی معروفی

بهمن ماه ۱۳۹۳

بیانیه حزب کارایران (توفان) به مناسبت روز جهانی زن

فرخنده باد ۸ مارس روز بین المللی زن

در تجربیات تمام جنبشهای آزادی مشاهده شده که موفقیت یک انقلاب بستگی به میزان شرکت زنان در آن دارد (لنین)



هشتم مارس روز بین المللی زنان بار دیگر فرا میرسد. این روز تاریخی روز همبستگی زنان سراسر جهان در پیکار بخاطر رهائی از قیود ارتجاعی و قرون وسطائی و نیل به تساوی حقوق با مردان است. حزب ما فرصت را مغتنم شمرده این روز تاریخی را به همه زنان جهان تبریک می گوید. رشد مبارزات مردم تحت ستم ایران برای سرنگونی رژیم استبدادی و زن ستیز جمهوری اسلامی از شرکت روز افزون زنان حکایت دارد. امروز نام بسیاری از زنان پیکار جو که پا به پای مردان برای رهائی از ستم بپاخاسته اند در لوحه افتخار می درخشد و همین مشارکت میلیونی فعال زن ایرانی است که پیروزی مردم ایران را تضمین خواهد کرد.

زنان در ایران چه در رژیم گذشته و چه در رژیم جمهوری اسلامی تحت فشارهای چندگانه بوده و هستند. آنها فشار جامعه مردسالار ایران را در کنار فشارهای مذهبی و فرهنگی و سیاسی تحمل می کنند. در دوران حاکمیت نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی فشارهای مذهبی که جنبه دولتی نیز یافته است و زنان یکی از بزرگترین قربانیان این مذهب دولتی هستند با بی شرمی و استناد به نیروهای آسمانی تساوی حقوق زنان با مردان را نفی می کند.

این فشارها که بر زنان ایران وارد می شود بسیاری از آنها را در اثر عدم امنیت در خانواده و تلاش برای زیستن و تامین حداقل شرایط زندگی بدامن فحشاء پرتاب کرده است. داستانهای زنان خیابانی و متاهل و دختران جوان بی پشت و پناه که به تن فروشی برای تامین معاش خود و خانواده خویش مشغولند دل هر انسانی را ریش می کند. کدام ایرانی است که وجدانش از فروش دختران ایرانی توسط باندهای مافیائی ایرانی در داخل و خارج ایران معذب نشود. در دوران جمهوری اسلامی ما نه تنها با سقوط اخلاقی جامعه روبرو هستیم بلکه باندهای مافیائی با چهره های مذهبی را شاهدیم که توسط مراجع عظام تحت حمایت اند و براحتی می توانند دسته دسته دختران

ایرانی را به منطقه برای کامجویی سرمایه داران گسیل دارند و سودهای سرسام آور نصبیشان شود و هرگز تحت پیگرد قضائی قرار نگیرند. بسیاری از زنان به اعتیاد روی آورده اند. رژیم مذهبی ایران برای زنان حقوق مساوی با مردان برسمیت نمی شناسد و آنها را انسانهای درجه دوم به حساب می آورد.

هر زن ایرانی که همسر افغانی برگزیند تابعیت ایرانی خویش را از دست می دهد و باید با شوهرش به افغانستان برود. این تفکر فاشیستی نفرت انگیز است و آنها در کنار این واقعیت که نظام حاکم مافیائی بخود اجازه می دهد تعیین کند چه کسی ایرانی است و چه کسی ایرانی نیست. تو گویی عده ای دزد و جنایتکار مالک ایران هستند و در مورد سرنوشت زندگی روزمره مردم و شیوه زندگی آنها و اصلیت آنها نیز خود را مجاز به تعیین تکلیف می دانند. معلوم نیست که آنها این اعتماد به نفس و حق خود پنداری بربرمنشانه را از کجا آورده اند. ولی علیرغم همه این بیعدالتیها و تعرضات نسبت به زنان، آنها همیشه در ایران بعد از انقلاب در صفوف اول مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی جنگیده اند و بخاطر کسب حداقل حقوق صنفی، قشری و دموکراتیک و شیوه زندگی شخصی خویش پیکار کرده و نهراسیده اند. آنها سرمشق مردانند.

زندانه‌های ایران مملو از زنانی است که دست از مبارزه نکشیده اند. نه شکنجه ها و نه تجاوزات وحشیانه و بربرمنشانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، نتوانسته است اراده آهنین زنان ایران را درهم شکند. تحقیر زنان توسط رژیم جمهوری اسلامی به مقاومتی منجر شده که آخوندها تصورش را هم نمی توانستند بکنند. این مقاومت حتی در درون خانواده های حاکمیت مذهبی نیز شکاف انداخته و یا دختران آنها فراری اند، یا همسرانشان از آنها جدا می شوند، و یا فرزندان خویش را برای ادامه تحصیل و زندگی عادی به خارج از کشور و بویژه به انگلستان، کانادا و استرالیا می فرستند. از میان زنان ایران استعدادهای قابل ستایشی سربرافراشته و در عرصه جهانی ظهور یافته اند که موجب افتخار مردم ایرانند. دانشگاههای ایران در اکثریت خویش از زنان ایران تشکیل شده است که مادران فردای ایرانند و این بکوری چشم رژیم فاشیستی جمهوری سرمایه داری اسلامی یک دستاورد بزرگ انقلاب مردم ایران است که دیگر نمی توانند آنها را پس بگیرند. زنان ایرانی با گامهای بزرگ به پیش می روند و حتی از جان دادن در راه آزادی ایران نمی هراسند.

در عین حال نباید فراموش کرد که سابقه ستم بر زنان ایران طولانی تر از عمر رژیم جمهوری اسلامی است. ریشه های ستم بر زنان بسیار قدیمی است و در عین حال صرفنظر از جنبه طبقاتی، اقتصادی دارای ریشه های مردسالارانه و فرهنگی است. زن برای بسیاری مردان حتی پاره ای مدعیان اندیشه مترقی ایزاری است که خود را مالک آن می دانند. تفکر این مردان و حتی زنانی که این فرهنگ را در طی قرنهای پذیرفته اند و به فرهنگ حاکم جامعه بدل کرده اند باقیمانده تفکر برده داری، فئودالیسم و همه نظامهای متکی بر بهره کشی انسان از انسان است. این تفکر که با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی می توان به همه این نابسامانیها پایان داد واقعیهایی نیست. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تنها بخشی از این تضییقات را از بین برده و زمینه تساوی حقوقی زنان را با مردان فراهم می آورد. تنها پایان دادن به ستم طبقاتی است که زمینه را برای رفع موانع ریشه دار اجتماعی فراهم می آورد. حزب ما باید برای آزادی زنان ایران نه تنها برای سرنگونی همه رژیمهای متکی بر بهره کشی انسان از انسان و از جمله رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی مبارزه کند، بلکه باید با فرهنگ ریشه دار مردسالاری نیز با کار فرهنگی صبورانه و علمی و شرکت فعال خود زنان در این مبارزه و ارتقاء مداوم سطح دانش عمومی به تلاش برخیزد.

حزب کار ایران (توفان) به روشنی از حقوق زنان ایران دفاع میکند و در مسیر استقرار تساوی حقوق زنان و مردان، لغو کلیه قوانین ارتجاعی مذهبی و غیر مذهبی، لغو هرگونه تبعیض و محدودیت برحسب جنسیت، آزادی پوشش، آزادی ازدواج و انتخاب همسر و ازدواج غیر مذهبی، لغو کلیه قوانینی که به بهانه ناموس جنایت علیه زنان را توجیه می کند، ممنوعیت فحشا بطور کلی و فحشا مذهبی بنام صیغه گری، آزادی سقط جنین و به رسمیت شناختن این حق برای زنان و.... میکوشد و پیگیرانه در جهت تحقق آن که با برافکندن نظم سرمایه دارانه و ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی میسر است گام برمیدارد.

امروز سرنوشت زنان ایران به سرنوشت زنان عراق و افغانستان و بحرین و فلسطین و سوریه و سایر زنان منطقه گره خورده است. این است که طرح مطالبات بر حق زنان ایران بدون پیوند آگاهانه با مبارزه علیه تجاوزات امپریالیستی و فریاد دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد! فاقد محتوا و ترقی خواهد بود. نمی توان مدافع حقوق زنان ایران بود اما از تجاوز نظامی به لیبی، سوریه، لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان و بحرین.... حمایت نمود و این سیاست امپریالیستی را در قالب مبارزه با اسلام سیاسی تئوریزه و تبلیغ کرد. تا امپریالیسم و ارتجاع طبقاتی در جهان حاکم است تصور آزادی کامل زنان و تحقق حقوق دموکراتیک و برابر آنها با مردان میسر نخواهد بود.

حزب ما یقین دارد که زنان تحت ستم و مبارزر ایران با اتحاد و یکپارچگی نقش شایسته خود را دربرانداختن رژیم زن ستیز سرمایه داری جمهوری اسلامی و زدودن تمامی قید و بندهای سرمایه داری و ماقبل سرمایه داری با سربلندی ایفا خواهند کرد و جز این نخواهد بود.

فرخنده باد هشتم مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان!

سرنگون باد رژیم زن ستیز سرمایه داری جمهوری اسلامی بدست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اسفند ماه ۱۳۹۳ خورشیدی برابر با مارس ۲۰۱۵ میلادی

اعلامیه حزب کارایران (توفان) در رابطه با اعدام ۶ زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر کرج



چهارشنبه ۱۳ اسفند

اعدامها در ایران همچنان ادامه دارد و رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ بقاء منحوس خویش هیچ راهی جز توسل به سرنیزه و شکنجه و اعدام نمی بیند. بنا بر گزارش های رسیده از ایران، امروز صبح شش زندانی کرد سنی مذهب، در زندان رجایی شهر کرج اعدام شدند. این شش زندانی که حامد احمدی، کمال ملایی، جمشید دهقانی، جهانگیر دهقانی، صدیق محمدی و هادی حسینی نام دارند، به اتهامات امنیتی دستگیر شده بودند.

حبیب الله احمدی، پدر حامد احمدی، دیروز سه شنبه ۱۲ اسفند در مصاحبه با بی بی سی گفت که شخصی از "مددکاری" زندان رجایی شهر با منزل این زندانی در سندانج تماس گرفته و از اعضای خانواده احمدی خواسته است که ساعت ۴ بعد از ظهر، برای آخرین ملاقات با او در در زندان رجایی شهر کرج باشند. عثمان ملایی برادر کمال ملایی نیز دیروز به بی بی سی گفت که حدود ساعت ۱۰ صبح از زندان رجایی شهر با خانواده این زندانی تماس گرفته شده تا قبل از ساعت ۴ بعد از ظهر، خود را برای آخرین ملاقات به زندان برسانند.

اعدام وحشیانه این شش زندانی روز جاری در زندان رجایی شهر کرج در سراسر جهان انعکاس یافت و خشم و انزجار مردم آزاده را برانگیخت. روشن است اعدام راه نجات رژیم بربر منش اسلامی از بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نمی باشد. این اعدامها آخرین دست و پا زدنیهای رژیمی است که از همه سو خود را در محاصره می بیند و از مردم بشدت می ترسد. رژیم جمهوری اسلامی بدون اتکا به ماشین سرکوبش حتی یک روز هم نمی تواند بر مسند قدرت باقی بماند.

راه رستگاری مردم سراسر ایران راه اتحاد و مبارزه ای هدفمند علیه رژیم آدمکش جمهوری اسلامی و عفریت خارجی است که تحت نام «حقوق بشر» خوابهای شومی برای ایران دیده اند. محافل و سازمانهای ایرانی حقوق بشر زمانی می توانند به وظایف حقوق بشری خود جامه عمل پوشند که موضع روشنی نسبت به عفریت خارجی، امپریالیسم و صهیونیسم داشته باشند. هر نوع جبهه سایه و چشم داشت به اجانب برای بهبود حقوق بشر در ایران بیراهه است و بس!

حزب کارایران (توفان) اعدامهای بربرمنشانه و ضد بشری در زندان رجایی شهر کرج را قویا محکوم میکند و ایقان دارد که تنها با اعدام رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامیست که می توان بر اینهمه جنایت و بربریت پایان داد.

زندانیان سیاسی بی قید و شرط آزاد باید گردند!

مناقشه هسته ای فقط یک بهانه است

آیا با عقب نشینی رژیم و امضای پروتکل الحاقی قضیه پایان میگیرد،
تحریمها لغو میشوند و آمریکا دست از سر رژیم برخواهد داشت؟



همزمان با آغاز دور دیگری از مذاکرات هسته ای در سوییس، جان کری، وزیر امور خارجه امپریالیسم آمریکا گفته است، "موانع پیش رو برای دستیابی به توافق برای حل مناقشه هسته ای ایران نه فنی بلکه سیاسی هستند." جان کری این بار بی پرده سخن گفت. مناقشه هسته ای فقط بهانه و یک ابزار فشار برای دستیابی به سازش سیاسی است. به بیان روشنتر جمهوری اسلامی باید به متحد سیاسی آمریکا در منطقه بدل شود. از چین و روسیه و کشورهای مستقل آمریکای لاتین فاصله بگیرد، در سوریه به متحد آمریکا و ترکیه و عربستان بدل شود. در لبنان و فلسطین از جنبش مقاومت فاصله بگیرد و در یک کلام در منطقه به نوکر بی بروبرگرد امپریالیسم آمریکا تبدیل شود. رژیمی که به مردمش تکیه نداشته باشد، برای بقایش به این خفت و خبیانت تن درخواهد داد و مذاکرات ظریف که در قالب نرمش قهرمانانه تا کنون صورت گرفته است همه در جهت چانی زنی برای بقای نظام گنبدیده جمهوری اسلامی است و نه حقوقی برای مردم ایران.

رژیم جمهوری اسلامی که از سر ضعف و درماندگی و فشارهای تحریمهای اقتصادی به پای میز مذاکره با آمریکا رفته است نمی تواند مدعی پیروزی و موضع برتر در نشستهای پنج بعلاوه یک باشد. تعلیق کامل برنامه هسته ای در اراک که میلیاردها دلار خسارت به مردم ایران وارد ساخته است نمونه ای از این سیاست "نرمش قهرمانانه" حاکمیت است که در اثر فشار تحریمهای اقتصادی، دیکته آمریکا را پذیرفته است. آنها از ایران یک کشور نیمه مستعمره مانند زمان شاه می خواهند. آنها کشوری می خواهند که ژاندارم منطقه شده و همدست امپریالیستها در غارت منابع انرژی منطقه و تضمین استخراج و انتقال آنها به بازارهای غرب باشد. آنها ایرانی می خواهند مخالف چین و روسیه و در زمان مناسب مخالف هند و ژاپن و شاید اروپا تا آمریکا بتواند بر گلوگاه نفت جهان دست داشته باشد و پیچ آنرا شل و سفت کند و ایران را در گزینش سیاست راهبردی خویش در اقیانوس آرام در دهه آینده در کنار خود داشته باشد و نه در کنار چین. آنها مشکلشان بر خلاف ادعاهای ایرانی های فریب خورده و یا خود فروخته، غنی سازی اورانیوم نیست. مگر در زمان خاتمی دو سال این غنی سازی با خواست آمریکا به تاخیر نیفتاد؟ مگر ایران به خواست آمریکا برای امضاء پروتکل الحاقی که یک پیمان استعماری است تن در نداد؟ مگر ایران به خواست آمریکا مبنی بر عودت تفاله های اتمی نیروگاه بوشهر به روسیه تن در نداد؟ مگر ایران حاضر نشد در صورت فروش اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی برای مصارف تحقیقاتی و پزشکی دانشگاه تهران از تولید آن خودداری کرده و بهای خرید آنرا به روسیه، چین، آمریکا، آرژانتین و... بپردازد و از تولیدش صرف نظر کند؟ مگر رفسنجانی با سیاست تعدیل اقتصادی و باز گذاردن دست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در ایران و اجرای خواستهای سازمان تجارت جهانی به خصوصی سازی مالکیتهای عمومی مردم ایران دست نزد و نفت ایران را با پوشش شرکتهای خصوصی پاسداران مافیائی خصوصی نکرده است و... پس چرا آمریکا از این "فرصتهای مناسب" برای عادی کردن روابط با ایران استفاده نکرد و نمی کند؟ آیا خنده روحانی را کم داشت؟ مگر سید خندان، خاتمی نمی خندید؟

رژیم به دروغ در رسانه های داخلی بر طبل موضع مستقل و سیاست برد برد و حتا برتری بر آمریکا می کوبد تا به حواریون عقب مانده خود غذای تبلیغاتی دهد. نشست پنج بعلاوه یک، یک نشست سیاسی و از موضع قدرت تحت رهبری امپریالیسم آمریکاست و رژیم جمهوری اسلامی را همانند رژیم صدام حسین در دام خود گرفتار ساخته است. رژیمی که فاقد پشتوانه مردمیست و از ملتش بیش از اجانب می ترسد نمی تواند از موضع قدرت در قبال آمریکا سخن بگوید. همه شواهد دال بر آن است که آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی بر سر مسئله هسته ای بعنوان یک امر فنی و نه سیاسی مدتهاست به توافق رسیده اند و رژیم در این عرصه کاملاً تسلیم شده است. حال توافق بر سر مسائل سیاسی که هدف اصلی امپریالیسم آمریکا در قضیه پنج بعلاوه یک است باید در پروسه ای صورت گیرد و رژیم جمهوری اسلامی راهی جز تسلیم ندارد. تحریمهای اقتصادی بعنوان یک اهرم فشار ادامه خواهد یافت و فشارهای سیاسی و تهدیدات نظامی در کسوت مسلح کردن رژیم عربستان سعودی و متحدینش در منطقه و کیش دادن ارتش داعش بسوی ایران و درگیر کردن رژیم در یک جنگ نیابتی و فرسایشی از جمله فشارهایی است که بر رژیم اعمال گشته و او را آرام نخواهد گذاشت. چقدر ساده لوحانه است هر آئینه تصور شود که رژیم جمهوری اسلامی تحت شرایطی که در بحران اقتصادی غوطه میخورد و از طغیان احتمالی مردم بستوه

آمده وگرسنه ایران بشدت می ترسد وجزتکیه به سرکوب و اعدام نمی تواند حتا یگروز حکومت کند وازسر استیصال به پای میز مذاکره هسته ای با آمریکا رفته است، را پیروز درمناقشه هسته ای قلمداد کنیم! به این می گویند دروغ سیزده ۱۳۹۴!

امپریالیسم آمریکا تنها به یک تغییر راهبردی تن خواهد داد و آنها با دست عوامل مورد اعتماد خود و نه با هر جناح غیر قابل محاسبه در حاکمیت ایران. اشغال لیبی، افغانستان، عراق، تجاوز به سوریه و لبنان، تقویت تروریسم در عراق، کنار آمدن با طالبان علیه ایران، دامن زدن به خواستهای جدائی طلبانه در ایران و تقویت تروریستهای ایران در خارج از ایران دامن زدن به جنگ شیعه و سنی، تحریم اقتصادی و مالی و گرسنگی دادن به مردم ایران، پروار کردن اپوزیسیون خود فروخته ایران در خارج از کشور و دنبالچه های آنها در درون ایران برای روزمبادا... همه حاکی از سیاستی است که آمریکا برای ایران در نظر دارد. همانطور که اشاره رفت رژیم جمهوری اسلامی که در محاصره کامل قرار گرفته است دو راه در پیش دارد یا با خفت تسلیم امپریالیسم آمریکا شود و مورد حمله نظامی و سرکوبگر آنها قرار گیرد و تازه تضمین ندارد که آمریکائی ها همین قشر مافیائی را بر سر کار نگهدارند و یا به مردم ایران برای مقاومت در مقابل استعمار خونخوار تکیه کند، که آنوقت باید به یک حکومت دموکراتیک تن در داده و مفسدان را محاکمه کرده به سزای اعمالشان برساند. با دست رفسنجانی، مصباح یزدی، جنتی، لاریجانی و... نمی شود رژیم را "نجات" داد فقط می شود ایران را بر باد داد و به هرج و مرج کشاند. آمریکا با "نجات" این رژیم هم موافق نیست. رژیم جمهوری اسلامی به بن بست رسیده است و به چشم خود می بیند که وضعیت سوریه و لبنان به نفع ارتجاع منطقه تغییر می کند و به داخل خاک عراق کشیده خواهد شد. این ایران است که باید در شرق و غرب خود نیز میان طالبان و القاعده ثبات خود را حفظ کند و این تنها با تکیه بر مردم و برسمیت شناختن آزادیهای دموکراتیک و مجازات جنایتکاران و مفسدان مقدور است. امری که خود این رژیم قادر به حل آن نیست و باید بدست مردم ایران حل گردد. یاپذیرش تمام خواسته های امپریالیسم آمریکا یا ادامه توسری! رژیمی که به مردمش پشت کرده راهی جز نوکری امپریالیسم را پیش روی ندارد. این تازه آغاز سحر است.

تظاهرات شکوهمند هزاران معلم علیه فقر و تبعیض



تظاهرات متنوعی در روز یکشنبه دهم اسفند ماه ۹۳ در اعتراض به وضعیت اسفناک معیشتی شان در تهران برگزار شد. در همین روز و ساعاتی قبل از آغاز تظاهرات تهران، معلمان در مقابل ادارات آموزش و پرورش در مراکز استان ها و حتی در شهرهای کوچکتر تجمعاتی را برگزار کردند. مشهد، شیراز، قزوین، خرم آباد، اهواز، بوشهر، بندرعباس، کرمانشاه، ایلام، الیگودرز، پاره، مریوان، و دلفان، از جمله نزدیک به پنجاه شهری بودند که ادارات آموزش و پرورش آن ها به محل گردهمایی معلمان تبدیل شد. شایان توجه است که در برخی از شهرها دانش آموزان و معلمان بازنشسته نیز در حمایت از معلمان در تظاهرات شرکت داشتند. این تجمعات بخاطر اتحاد و سراسری بودن آن و درعین حال مطالبات مشخص صنفی سیاسی بسیار نوید بخش است و باید مورد حمایت سایر اقشار زحمتکش جامعه قرار گیرد.

طبق رسانه های رسمی از جمله خبرگزاری "ایلنا" در تجمع تهران که با حضور "مشهود" ماموران امنیتی در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شد، حدود ۲ هزار معلم شرکت داشتند. این درحالیست که طبق گزارشات دریافتی از افرادی که خود مستقیماً در این تظاهرات شرکت داشتند رقم بیش از ده هزار نفر را ذکر کردند. شعارها و پلاکاردهایی که آموزگاران شریف ایران با خود حمل میکردند بازتابی از وضعیت اسفناک اقتصادی ایران و اعتراض به نظام سرمایه داری اسلامی بود که با الهام از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول جامعه را به پرتگاه سقوط سوق داده است. برخی از شعارهای معلمان در مورد تبعیض و فقر چنین بوده است: «همه جامعه به معلمان مدیون اند»، «سکوت از رضایت نیست»، «معلم، فرهنگساز جامعه را دریابید»، «معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است»، و «بر روی تخته های خود بنویسید یک با یک برابر نیست».

طبق گزارش کانون صنفی معلمان ایران، تظاهرکنندگان در بیانیه ی پایانی خود در کنار مسائلی چون دستمزد، تبعیض میان معلمان و سایر کارمندان دولت، و کسری بودجه وزارت آموزش و پرورش، خواهان آزادی بی قید و شرط همکاران زندانی خود از جمله رسول بدایعی، محمود باقری و مختاری اسدی و نیز لغو کلیه احکام صادرشده توسط هیات های تخلفات اداری برای فعالان صنفی معلمان شدند. خبر های دریافتی حاکیست که شماری از معلمان بازداشت شدند و در زندان بسر می برند. رژیمی که از زحمتکشانشان جامعه بترسد و از منافع به یک قشر منفور مافیایی و سرمایه داران ز الوصفت داخلی حمایت کند، مرگش فرا رسیده، باید دیر یا زود گورش را گم کند.

یک گزارش کوتاه از تهران

روز جهانی زن «علیرغم تلاشهای سرکوبگرانه زن ستیزان حاکم در خیابان های تهران برگزار شد

طبق گزارش "کانون شهروندی زنان"، به مناسبت روز جهانی زن این کانون دو برنامه مختلف تدارک دیده بود که هر دو برنامه به رغم یک ماه تلاش برای پیدا کردن مکان عمومی برای برگزاری این مراسم، متأسفانه هر دوی آنها در لحظات آخر لغو شد.

به همین دلیل تعدادی از اعضای کانون شهروندی زنان، از صبح تا شبانگاه روز یکشنبه ۱۷ اسفندماه ۱۳۹۳، روز جهانی زن را... در فضای های عمومی از اتوبوس و مترو و خیابان تا دانشگاه و خانه سینما، با پخش شیرینی و تبریک این روز جهانی به هموطنان شان، برگزار کردند.

تهران - ۱۷ اسفند ۱۳۹۳



نتانیاهو، عربده کش جنگ افروز در کنگره آمریکا



بیش از بیست سال است که سران جنگ افروز رژیم صهیونیستی اسرائیل پیامبرگونه غیب گوئی کرده اند که "ایران تا سه سال دیگر به سلاح مرگبار اتمی مجهز میشود" و باید هرچه سریعتر از این فاجعه پیشگیری کرد! نخست وزیرشاید و جنایتکار اسرائیل، نتانیاهو در سال ۱۹۹۳ مدعی شد ایران در سه تا پنج سال آینده دارای تسلیحات هسته ای خواهد بود. در سال ۱۹۹۵ روزنامه نیویورک تایمز از قول منابع اسرائیلی و آمریکائی نقل کرد که ایران بمب اتمی را تا سال ۲۰۰۰ بدست خواهد آورد. در سال ۱۹۹۸ آقای دونالد رامزفلد دروغگوی جنگ عراق و همدست صدام حسین در کشتار ایرانی ها توسط گاز سمی، برای ایجاد رعب و فضای وحشت، به کنگره آمریکا اطلاع داد، که در سال ۲۰۰۳ یک موشک قاره پیمای ایران می تواند خاک آمریکا را هدف قرار دهد.

در سال ۲۰۰۳ مجله اشپیگل آلمان گزارش داد، ایران آشکارا در آستانه ساختن بمب اتم قرار دارد. کار به این جعلیات از جانب کسانی که ایران را به "راست آزمائی" دعوت می کنند، خاتمه نیافت. یک خانم مفسر تلویزیون آمریکا، بنام آن کلتر Ann Coulter درخواست کرد: "ما باید به رقابت در تملق گوئی ملی خاتمه دهیم و سوریه را با بمباران به عصر حجر برانیم و بعدش برای همیشه ایران را خلع سلاح کنیم. (۳ ماه مه ۲۰۱۲ کلتر اشتات آنسایگه).

در همان روزنامه می آید: "نامزد سابق ریاست جمهوری آمریکا جان مک کین در سال ۲۰۰۷ در یک گرد همائی حزبی هواداران جمهوریخواهان با خوشحالی سرود زیر را می سرود: "بمب، بمب، بمب بر ایران"- بگذارید ایران را سرانجام بمباران کنیم. و رقیب انتخاباتی او باما، آقای میت رامنی که مردم ایران را "ملتی با تمایل کشتار جمعی" و "بزرگترین تهدید از زمان نازی ها و شوروی می داند" در ۵ ماه مارس ۲۰۱۲ اعلام کرد: "یا آیت الله ها پیام ما را می فهمند و یا ما به آنها درسهایی از قاطعیت آمریکائی می دهیم." اینها جعلیات و تهدیداتی است که این تاریخ نویسان امپریالیستی در رسانه های گروهی تبلیغ می کنند و ایرانی های خودفروخته نیز آنها را تأیید می نمایند.

نتانیاهو همین دروغ و اراجیف را در کنگره اخیر آمریکا تکرار کرد و ازارباب خواست تا دیر نشده به ایران تجاوز نظامی کند. این درحالیست که خود آمریکا می داند که ایران نه دارای سلاح اتمی است و نه اساسا قصد و توان تجاوز به اسرائیل را دارد. اسرائیل که خود دارای ۱۲۰ کلاهک اتمی است و چند کشور را به اشغال خود درآورده است و در همین تابستان گذشته بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم بیگناه که قریب به ۵۰۰ از آنها کودک بوده اند را با بمباران وحشیانه به قتل رسانید، نمی تواند منادی صلح باشد. برعکس، این غده سرطانی خطرناکترین دشمن برای صلح و امنیت مردم منطقه است. از این رو مبارزه بر علیه رژیم انسان ستیز و مستبد جمهوری اسلامی و برای تحقق حقوق بشر بدون مبارزه و افشای امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه و جهان فاقد خصلت مترقی است و پیشیزی نمی آرد. عدم شفافیت در مبارزه سیاسی و توهم نسبت به دشمنان قسم خورده مردم فاجعه می آفریند.

بدون مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم هیچ جنبش دمکراتیک و استقلال طلبانه ای به پیروزی نخواهد رسید

اعلامیه کنفرانس بین المللی احزاب برادر

ترور جنایتکارانه رفیق گوستاوو سالگادو دلگادو را شدیداً محکوم میکنیم!



رفیق گوستاوو سالگادو ، عضو کمیته مرکزی جبهه انقلابی توده ای مکزیک و عضو حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست لنینیست) در سوم فوریه ۲۰۱۵ در حالی که در پایان گردهم آئی تشکیلاتی جامعه زاپاتا در منطقه آیالا در ایالت مورلوس در ساعت ۷ شب راهی جلسه سیاسی دیگری که قرار بوده است در ساعت ۸ شب برگزار شود در بین راه ربوده شده و جسد شکنجه شده او با دستهای از بدن جدا شده در روز بعد بین ساعات ۵ و ۶ شب در گودالی پیدا میشود.

رفیق گوستاوو ، ۳۲ ساله ، از سال ۲۰۰۳ به بعد عضو رهبری تشکلات متعددی با جنبه های گوناگون مبارزه بود: عضو رهبری اتحادیه انقلابی جوانان مکزیک ، عضو تدارکات ملی کمیته برگزاری ۱۹ امین اردوی بین المللی جوانان ضد فاشیست و ضد امپریالیست در سال ۲۰۰۴ ، عضو کمیته مرکزی و کمیته اجرائی جبهه انقلابی توده ای مکزیک از سال ۲۰۰۶ به بعد ، عضو رهبری جنبش ضد اصلاحات نظام آموزشی که دولت خواهان اجرای آن بود ، عضو رهبری جنبش مقاومت اتحادیه کارگران برق بر علیه بیکار سازی ، فعال در تشکیلات کارگران مهاجر در ایالت مورلوس ، فعال در جنبش عدالتخواهی علیه قتل عام ۴۳ دانشجو توسط پلیس و مقامات آیوت زیناپا و فعالیت در چندین تشکل دیگر .

این ترور ناجوانمردانه یک فرزند خلق مکزیک ، همانند قتل عام ۴۳ دانشجوی فعال سیاسی ، بدست مقامات و پلیس برای حفظ منافع مالکان و سرمایه داران بزرگ و مافیای مواد مخدر صورت گرفته است. حزب کار ایران (توفان) این جنایت وحشیانه را شدیداً محکوم میکند و به رفقای حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست لنینیست) ، رفقای جبهه انقلابی توده ای ، همسر و رفقا و دوستان او اظهار همدردی مینماید. ما از همه سازمانها و تشکلات مترقی میخواهیم که اعتراض خود را به این ترور وحشیانه ابراز دارند.

کمیته هماهنگی کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست (ICMLPO) بیانیه ای در محکومیت این جنایت صادر نموده است که ما ترجمه آنرا در زیر منتشر میکنیم.

به رفقای حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست لنینیست) و جبهه انقلابی توده ای

کمیته هماهنگی کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست ، بمناسبت ترور رفیق گوستاوو سالگادو ، همبستگی احزاب برادر را به شما ابراز میدارد.

فعالیت سیاسی رفیقمان گوستاوو نمونه ای از مبارزه جوئی کمونیستی و دفاع پیگیر از منافع کارگران و زحمتکشان و جوانان است که با کار خستگی ناپذیر این رفیق در ساختن تشکیلات انقلاب سوسیالیستی در مکزیک ترسیم میشود.

ربودن و مثله کردن رفیق گوستاوو بخشی از روند فاشیستی کردن حیات سیاسی جامعه مکزیک است ، جایی که رژیم انریکه پنا نیتو خشونت و سرکوب وحشیانه و ضد مردمی را به جامعه تحمیل کرده و مسئولین جنایات ضد مردمی را از مجازات مبرا میکند. ما فاشیسم و تروریسم دولتی را محکوم میکنیم وبهمراه حزب برادرمان و جبهه انقلابی توده ای در مکزیک خواهان دستگیری و مجازات آمران و عاملان این جنایت هستیم.

ما اندوه از دست دادن این رفیق را به مبارزه و سازماندهی توده ها برای سرنگونی دشمنان طبقه کارگر و مردم تبدیل میکنیم. افتخار و شکوه بر رفیق گوستاوو سالگادو !

عدالت برای رفیق ترور شده گوستاوو !

یاد رفیق گوستاوو و مبارزه او در راه انقلاب و سوسیالیسم در سراسر جهان زنده خواهد ماند ! نام و کار رفیق گوستاوو نسلی از کمونیستهای جوان را به میدان خواهد آورد !

کمیته هماهنگی کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست لنینیست. فوریه ۲۰۱۵

پیام حزب کار ایران (توفان) به رفقای مکزیک در رابطه با ترور ناجوانمردانه گوستاوو

رفقای حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست لنینیست) و جبهه انقلابی توده ای! با خشم و اندوهی عمیق پیام تسلیت خود را بمناسبت ربودن و ترور رفیق گوستاوو سالگادو دلگادو ارسال میداریم. رفیق گوستاوو نمونه یک انقلابی مبارز و کمونیستی استوار بود که در چندین جبهه مبارزه شرکت داشت، در تشکلهای جوانان، در اتحادیه های کارگری، در تشکلهای کارگران مهاجر، در جنبش دانشجویی و قتل رفیق گوستاوو بخشی از تهاجم ارتجاعی بورژوازی مکزیک علیه طبقه کارگر است. ما در ایران با این نوع تهاجم توسط رژیم جمهوری اسلامی آشنا و قربانی آن بوده ایم. تعداد کثیری از رفقای ما، اعضای کمیته مرکزی، اعضای دفتر سیاسی، کادرها و هواداران حزب ما یا به جوخه اعدام سپرده شدند و یا توسط رژیم ارتجاعی ایران ترور شدند. حزب کار ایران (توفان) ترور رفیق گوستاوو سالگادو دلگادو را شدیداً محکوم میکند. ما همبستگی خود را با رفقای حزب برادرمان در مکزیک، رفقای جبهه انقلابی توده ای، همسر و دوستان رفیق جانباخته ابراز میداریم و یقین داریم که اندوه قتل رفیق گوستاوو به مبارزه برای انقلاب و سوسیالیسم در مکزیک تبدیل خواهد شد.

افتخار و شکوه بر رفیق گوستاوو سالگادو!

عدالت برای رفیق ترور شده گوستاوو!

حزب کار ایران (توفان)

مارس ۲۰۱۵

WWW.Toufan.org

مصاحبه هیت تحریریه توفان با رفقای حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست)

در مورد اسپانیا و تحولات اخیر در اروپا

ماه مارس ۲۰۱۵



پرسش: پس از چند سال نبرد خیابانی توسط مردم یونان علیه اقدامات ریاضت کشی و وابستگی سیاسی - اقتصادی، دولت دو حزب پاسوک - دموکراسی نوین در انتخابات یونان شکست خورد. آیا حزب باصطلاح چپ سیریزا بازسازی نظام سیاسی بورژوازی یونان را نمایندگی میکند و یا بیانگر تغییرات رادیکال به سوی چپ و به نفع توده های یونان است؟

پاسخ: ما نمیدانیم که تا چه حد دولتمردان یونان در قدرت گیری حزب سیریزا کمک کردند تا این حزب به آرایش نظام سیاسی یونان دست زند. حزب سیریزا که از اتحاد خورده بورژوازی و کارگران شکل گرفته است در میان بحران یونان و احتمالاً با اتحاد با بخش هایی از بورژوازی که در فاجعه اقتصادی صدمه دیده اند سر بلند کرد. نتیجتاً، این حزب، منوط به رابطه بین نیروهای داخلی یونان و ادامه بسیج خیابانی و مقاومت دولتهای اروپائی و همبستگی بین المللی، میتواند نقش یک تحول را بازی کند و یا اینکه مانند بخشی از احزاب بورژوازی کهنه شود. سیریزا با دفاع از خواسته های تعریف شده ای و با یک مبارزه اجتماعی با یک پایگاه عمده سر بلند کرد و باید این امکان را داد که چنانچه شرایط مناسبی موجود باشند آن شرایط میتواند رهبران با پیشینه بورژوازی و یا خورده بورژوازی که قدرت دولتی را در دست دارند را بطرف کسب اهدافی که جنبش توده ای خواستار آن است بکشانند.

پرسش: نتایج انتخابات یونان موجب تحرک در جنبش های کشورهای دیگر اروپائی بویژه در اسپانیا دارد؟

پاسخ: بطور کلی، ما بر این باور هستیم که که پیروزی سیریزا باید موجب تشویق یک جنبش عمومی و همبستگی موثر برای دفاع از منافع مردم یونان علیه سرمایه و همچنین دفاع از منافع کارگران و مردم اروپا علیه الیگارشی و علیه حکومت‌هایی که آنها را مورد حمایت می‌گیرند شود. اما سیریزا با بیانیه‌های خود علیه مطالبات مردم یونان شریک جرم فاجعه انسانی در یونان شده است.

در اسپانیا، ما با مسئله عدم اطمینان سیاسی مواجه هستیم که در اثر تبلیغ برای دو حزب پودموس (ما میتوانیم - Podemos) و سیودادانوس (شهروندان - Ciudadanos)، دو حزبی که ادعای مبارزه با فساد و نگرش "تازه" بهمراه نفی ایدئولوژی دارند، ایجاد شده است. بنظر ما، این دو حزب سودای جانشینی برای دوحزب مندرس "حزب سوسیالیست کارگران اسپانیا" (حزبی قدیمی سوسیال دمکرات اسپانیا-توفان) و "حزب مردم" (حزب دست راستی دمکرات مسیحی-توفان) را دارند. اما در هر حال، طبق نظر سنجی‌ها، انتخابات آینده اسپانیا تعادل بین همه این نیروها را نشان خواهد داد. بنابراین، مجادله سیاسی در اسپانیا حول نقش احزاب جدید و اشتراکات آنها با احزاب مندرس و قدیمی دور می‌زند. در مورد نیروهای چپ، که باید جنبش همبستگی را هدایت کنند و به سرمایه داری بتازند، ما نیز بی عملی و فلج سیاسی آنها را شاهدیم زیرا آنها همه امید خود برای تغییر را در پیروزی احتمالی حزب پودموس (ما میتوانیم) گذاشته‌اند، حزب کمونیست اسپانیا و ائتلاف چپ (PCE / IU) نگران حفظ تشکیلات خودشان هستند که بر اثر موضعگیری هایشان روی پودموس صدمه دیده و با پیش بینی افت آرا مواجه‌اند. در مورد اتحادیه‌ها هم میتوان بیان مشابهی داشت. در نتیجه، آن وضعیت و آن مذاکرات با نهادهای سرمایه که در یونان شکل گرفته است به سختی در وضعیت سیاسی اسپانیا حضور دارد مگر بعنوان یک سلاح برای تشبیه سازی بین نیروها.

پرسش: پیشرفت وقایع در یونان نشان میدهد که امپریالیست‌های نمیتوانند حملات خود بر توده‌ها را برای همیشه تشدید کرده و به آن ادامه دهند. شما این امر را در اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، ایرلند و... چگونه ارزیابی میکنید؟

پاسخ: بطور کلی ما فکر میکنیم که مردم اروپا با امید و نگرانی در مبارزه‌ای که دولت یونان بر علیه ترویکا، کمیسیون اروپا - بانک مرکزی اروپا- صندوق بین المللی پول، بان دست زده است شرکت دارند زیرا میدانند که آینده شان در این مبارزه است. در هر حال، این جهت گیری سیاسی است که مردم خشمگین و سرخورده را، هم در سطح ملی و هم در سطح اروپا، بسیج میکند. از طرف دیگر، دولت‌ها (بویژه دولت کشورهای "نجات یافته") (دولت کشورهای است که "کمک" دریافت کرده‌اند- توفان) موضع بسیار تهاجمی بر علیه سیریزا اتخاذ کرده‌اند زیرا پیروزی موضع یونان به معنی بی اعتباری و غیر مشروع بودن تمام عیار سیاست "ریاضت اقتصادی" است.

در اسپانیا، باید دروغهای رژیم در مورد این مسئله مورد حمله و افشا قرار گرفته و مطابقت آنها با ماهیت طبقاتی رژیم نشان داده شود. اما چپ نه یک بدیل سیاسی در مقابل رژیم بلکه فقط موضع اقتصادی (نئولیبرالیسم) را مورد بحث قرار میدهد. بنابراین، چپ کل موضوع را بعنوان مشکل با دولت کنونی و یا در رابطه دولت با اروپا مطرح نمیکند. در نتیجه، ما میتوانیم از وضعیت انتخاباتی یونان، با برکنار زدن عوامفریبی و جنبه‌های سیاسی و ایدئولوژیک آن، بهره برداری کرده و به مردم نشان دهیم که "آری شما میتوانید".

پرسش: آیا شرایط برای طبقه کارگر اروپا باندازه کافی مساعد است تا از تحولات جدید در یونان استفاده کرده و یک جنبش تهاجمی بر علیه طبقه سرمایه دار اروپا را شروع نماید؟

پاسخ: آری، ما هم اینطور فکر میکنیم، لازم است که ابتکار عمل را در دست گرفته و بسوی اقدامات تهاجمی گام برداشت. سیریزا عناصری را عرضه میکند که موضع ما را در مجادلات عمومی، و مجادلاتی که بطور مشخص در جنبش چپ در جریان است، تقویت میکند: اهمیت تشکیلات، حقانیت چپ، بویژه وحدت پیرامون مسائل اصولی که بسود مبارزه ما بر علیه پوپولیسمی که در سراسر اروپا رشد کرده است میباشد.

علاوه بر این، شکست سیاست‌های "ریاضت کشی" در قاره اروپا با نتایج بسیار وحشتناک در کشورهای یونان و اسپانیا و پرتغال کاملا آشکار شده است، و این سیاستها در تقابل با سود هنگفت سرمایه‌های بزرگ و فساد و کلاهبرداری آنها قرار دارند. همچنین، مسلم است که دولتهای اروپائی مدتی است که خود را برای وقوع نا آرامیهای جدید اجتماعی آماده میکنند و چالشهای جدیدی، همچون رشد فاشیسم، را در مقابل کارگران و تشکلهای مردمی ایجاد خواهند کرد. در مورد اسپانیا، فشار بر علیه بسیج توده‌ای، همانطور که دستگیریهایی اخیر فعالین اجتماعی نشان میدهد، هر چه بیشتر آشکار شده است. بنابراین، یک پاسخ یکپارچه و مصمم باین وضعیت از طرف طبقه کارگر ضرورت فوری دارد.

پرسش: بحران سرمایه داری در اروپا و پیامدهای آن طلب میکند که کارگران و اقشار توده‌ای برای ساختن یک بدیل انقلابی بر علیه سرمایه داری بسیج شوند. چه باید کرد که توده‌ها برای پیوستن به این آلترناتیو آماده شوند؟

پاسخ: اول، باید بر علیه سیاست و جریاناتی که حزبیت و ایدئولوژی را نفی میکنند مبارزه کرد. در اسپانیا این بمعنی مبارزه با پیشروی نیروهای پوپولیست (و یا همانطور که نامگذاری شده است "شهروندان" برای توسل به توده بی شکل بدون ایدئولوژی) است. حزب ما، حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست)، این مسئولیت را در آخرین کنگره اش در اولویت قرار داد. اما باید در نظر داشت که توده‌ها قبل از آنکه به لزوم تشکیلات قدرتمند با ایدئولوژی منسجم دست یابند باید با پوست و گوشت خود ورشکستگی و واماندگی این جریانات را تجربه کنند. این مساله ما را به موضوع تهدید فاشیسم بعنوان نتیجه سرخوردگی توده‌ها میکشاند.

در هر حال، این هم درست است اگر گفته شود که تعداد کثیری از کارگران و جوانان از اشتیاقی که این جریانات در ابتدا ایجاد نمودند عبور کرده‌اند و از ابهام و بحث‌های بی پایان و "مشارکت" بی فایده خسته شده‌اند و در جستجوی شفافیت و تعهد تشکیلاتی‌اند. بنابراین، مضاعف کردن حضور در میان توده‌ها، افزایش تبلیغات، تبلیغ بدیل طبقاتی، و بردن پیشنهادهای منسجم و منطقی و

شفاف در همه حوزه های مبارزه و منجمله مبارزه انتخاباتی باید کار دوم ما باشد. در مورد کشور ما اسپانیا اینها بمعنی تبلیغ برای تغییر رژیم، مبارزه برای جمهوری، و تقبیح خصلت طبقاتی طرح های سیاسی منجمله خود رژیم و اتحادیه اروپا میباشد. هیتلر تحریریه توفان: از اینکه مصاحبه با ما را پذیرفتید سپاسگزاریم. برای حزب شما، در مبارزه تان بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم و برای رهائی پرولتاریا و همه زحمتکشان اسپانیا پیروزی روزافزون آرزو داریم.

حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست): ما نیز برای حزبتان، حزب کارایران (توفان) و مردم ایران پیروزی آرزو میکنیم.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین در واکنش به پیروزی «بنیامین نتانیاها» نخست وزیر رژیم صهیونیستی در انتخابات پارلمانی این رژیم، تاکید کرد که پیروزی نتانیاها به منزله اعلان جنگ علیه ملت فلسطین است.

"ضروری است که به توافق اسلو پایان داده شود."

به گزارش گروه بین الملل [خبرگزاری تسنیم](#) به نقل از رسانه های خبری فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین امروز چهارشنبه تاکید کرد که پیروزی مجدد نتانیاها در انتخابات کنست به منزله اعلان جنگ علیه ملت فلسطین است و ضروری است که به توافق اسلو پایان داده شود.

این در حالی است که شبکه ۷ تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد که پس از شمارش ۱۰۰ درصد آرای صهیونیست ها در انتخابات پارلمانی دیروز سه شنبه ۱۷ مارس مشخص شد که حزب لیکود به رهبری نتانیاها ۳۰ کرسی و حزب اردوگاه صهیونیستی به رهبری هرتسوک ۲۴ کرسی را تصاحب کرده اند.

عضو ساف: مصوبات شورای مرکزی باید سریعا اجرایی شود

«تیسیر خالد» عضو کمیته اجرایی (ساف) و عضو دفتر سیاسی جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین خواستار اجرایی شدن مصوبات اخیر شورای مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین در واکنش به انتخاب مجدد نتانیاها در انتخابات کنست شد. وی همچنین خواستار بازنگری در روابط با اسرائیل به عنوان رژیم اشغالگر و دولت آپارتاید و توقف تمامی اشکال هماهنگی امنیتی بین دو طرف فلسطینی و اسرائیلی و نیز بازنگری کامل در روابط دو طرف در زمینه های سیاسی، مدنی و اقتصادی شد.

وی همچنین بر استمرار تلاش های سیاسی و دیپلماتیک برای بین المللی کردن قضیه فلسطین، سلب مشروعیت از رژیم اشغالگر و منزوی کردن این رژیم در تمامی محافل بین المللی و نیز فعال سازی عضویت فلسطین در سازمان های بین المللی از جمله دادگاه کیفری بین المللی، تاکید کرد.

منبع
مجله هفته

زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!

توفان شماره ۱۸۱ فروردین ماه ۱۳۹۴ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

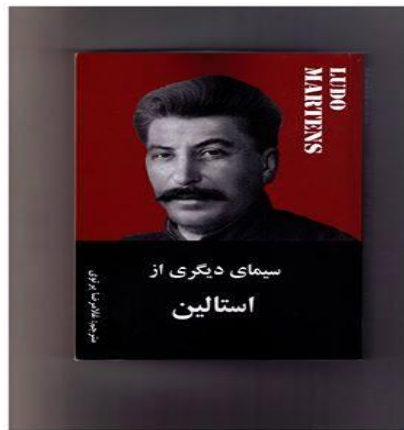
رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید در کتابخانه اینترنتی توفان:

- * توهین به مقدسات ادیان و برخورد به تروریسم. از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- * "سیمای دیگری از استالین" نوشته "لودو مارتنس"
- * تحریف‌کنندگان تاریخ سندی تاریخی از انتشارات دفتر اطلاعاتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
- * درافشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دو جلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
- * مرغان پرکشیده توفان. جانب‌اختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳

*



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

لینک چند وبلاگ حزبی

وبلاگ توفان قاسمی

<http://rahatoufan67.blogspot.se/>

ظفر سرخ وبلاگ

<http://kanonezi.blogspot.se/>

آگاه وبلاگ کارگر

<http://www.kargareagah.blogspot.se/>

کتابخانه اینترنتی توفان سایت

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

توفان سایت آرشیو نشریات

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توییتز توفان در

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

دست امپریالیستها و صهیونیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!